

شاخص فلاکت!

شاخص فلاکت!

مشاهیر هر کشوری مفاخر آن کشور هم محسوب میشوند. قرن بیستم را از این جهت میتوان به قرن مشاهیری اطلاق کرد که تاریخ در آن بر روی شانه غولهایی از حیث قدرت و معرفت و منزلت قرار داشت!

اسطوره‌هایی همچون نلسون ماندلا، لخ والسا، الکساندر دو بچک، مهاتما گاندی، جواهر لعل نهرو، مارتین لوترکینگ و نهایتاً ابرقهرمانی مانند روح الله خمینی!

کسانی که دشمنان‌شان نیز با وجود خصومت نافی عظمت و بزرگی ایشان نبودند و هر کدام بنوبه خود فصلی از تاریخ تحولات جهان را با قدرت و قوت بنام خود سند زدند!

علیرغم این ظاهراً قرن ۲۱ بر خلاف قرن قبل دنیای کوتوله‌ها است و دیگر باید حسرت بازتولید ابرقهرمانانی در اندازه قهرمانان قرن گذشته را خورد!

آشوب اخیر در ایران آخرین نمونه از این دست است که علت‌اش چه ناشی از گرانی بنزین می‌بود یا موفقیت تحریم‌های ترامپ یا بهانه بابت سریز شدن اعتراض سیاسی - اقتصادی بخش‌هایی از جامعه، اما من حیث المجموع اصرار بخشی از معترضین در بولد کردن آخرین فرزند ذکور پهلوی و متقابلاً جوگیر شدن «رضاشاه‌پرین» و نشستن وی بر «توهم رهبری اپوزیسیون» را میتوان «شاخص فلاکت عقلی» نزد جماعتی اطلاق کرد که از میانه فاسدترین و مضحک‌ترین و مبتذل‌ترین و بی‌سوادترین مجموعه سلطنت منقرضه پهلوی «رضائی سبک عقل» را معرکه گردانی کردند!

معروف است زمانی که اسکندر مقدونی در اوج قدرت مواجه با بی‌وقعی «دیوژن» در خرابه‌های آتن شد با غرور اعتراف کرد:

اگر اسکندر نبودم دلم میخواست دیوژن باشم!

حال باید دید این بخش از ایرانیان پله‌های زوال را تا کجا طی کردند که به «رضاشاه‌پرین» رسیده‌اند!

کاش ایران اگر دشمنی هم دارد دشمنی حائز اهمیت باشد! تا ایرانیان با بت‌اش دچار شرمندگی نباشند!

#داریوش سجادی